

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

احتجاج رسول خدا صلی الله علیه و آله در روز غدیر خم بر تمام مردم- در ولایت علی بن ابی طالب و سایر فرزندان از امامان معصوم علیهم السلام (احتجاج- ترجمه جعفری ج ۱/ ص ۱۱۸)

به اسناد مذکور در متن از امام باقر علیه السلام نقل است که: پیامبر صلی الله علیه و آله در موسم حج عازم مکه بود- در حالی که تمام شرایع و قوانین را بجز حج و ولایت ابلاغ فرموده بودند- که فرشته وحی جبرئیل نازل شده و از جانب پروردگار متعال ابلاغ سلام نموده و گفت:

ای محمد! خداوند می فرماید من هیچ پیامبری از پیامبران گذشته را قبض روح نکردم مگر پس از کمال دین و اتمام حجت، و برای تو تنها دو موضوع باقی مانده که باید آن دو را به مردم ابلاغ نمایی، یکی حکم حج و دیگری موضوع ولایت و خلافت است. زیرا من تا بحال زمین را خالی از حجت قرار نداده ام و هرگز هم خالی نخواهم گذاشت، زیرا خداوند عز و جل تو را مأمور فرموده تا خود و سایر مردمان- از اقصی نقاط مدینه و اطراف آن که تمکن و استطاعت لازم برای انجام حج دارند- را به مکه سوق دهی و تمام اصول و قوانین آن را همچون نماز و زکات و روزه به ایشان آموزش دهی.

پس منادی را فرمود تا اعلام کند که رسول خدا آهنگ سفر حج دارد و مأمور به تعلیم این عبادت بزرگ همچون سایر شرایع و مقررات سابق است.

باری رسول خدا صلی الله علیه و آله همراه هفتاد هزار نفر از اهالی مدینه و اطراف آن عازم مکه شده و از مدینه خارج شدند- مانند همان تعداد که حضرت موسی از آنان برای هارون بیعت گرفت و عهدشکنی کردند و در آخر از گاو و سامری تبعیت نمودند- و همه جماعت مسلمین در طول این سفر قدم به قدم از تمام اعمال آن حضرت پیروی می کردند.

باری عاقبت این بیعتی که رسول خدا صلی الله علیه و آله برای خلافت علی علیه السلام از مسلمانان گرفت در نهایت نعل بالنعل شبیه به عهدشکنی قوم موسی در بیعت با هارون و تبعیت از گاو و سامری گردید.

جماعتی که مسافت مدینه تا مکه را طی می کردند فضای کوه و دره و بیابان را مشحون از ندای لبیک لبیک خویش ساخته و به آنجا حال و هوای باشکوهی دادند.

و چون مسافتی را طی کردند جبرئیل نازل شده و خطاب به پیامبر صلی الله علیه و آله گفت: خداوند پس از ابلاغ سلام می فرماید: زمان وفات تو نزدیک شده و مدت رسالتت رو به پایان است، و بدان که من تو را بی هیچ چاره و گریزی فرا می خوانم، پس عهد خود بنما و سفارشت را ایراد کن، و آن چه علم داری از خود و میراث علوم انبیای پیش، و سلاح و تابوت و آثار و آیات رسالتت را به وصی و خلیفه ات؛ و حجت بالغه بر خلقم؛ علی بن ابی طالب بسپار، و او را همچون نشانه ای برای مردم برپا کن و عهد و میثاق او را تجدید نما، و به ایشان تمام عهود، و نیز پیمانی را که از ولایت علی بن ابی طالب ولی خود و مولای آنان و همه مرد و زن مؤمن بسته ام به ایشان یادآوری کن.

زیرا همه انبیایم را پس از اكمال دین و حجت و اتمام نعمت به ولایت دوستانم و دشمنی دشمنانم قبض روح نمودم، و این همان کمال توحید و دین و اتمام نعمت من است که مقرون پیروی و طاعت ولی من می باشد. و باید مردم بدانند که من هیچ گاه زمین را خالی از ولی و سرپرست قرار نمی دهم تا حجت بر مردم و خلقم باشد، پس امروز دین شما را به کمال رساندم و نعمت خود را بر شما تمام کردم و اسلام را- به واسطه ولایت ولی خود و سرپرست مردان و زنان مؤمن: «علی» بنده ام و وصی پیامبرم و خلیفه پس از او و حجت بالغه بر خلقم- دین شما پسندیدم. و طاعت و امتثال امر او مقرون طاعت من است. اطاعت او امتثال امر من، و عصیان او مستلزم مخالفت من است، او را علم و نشانه ای میان خود و مردم قرار دادم، هر کسی مقام او را شناخت مؤمن، و منکر او

کافر است. و هر کس در بیعت او کسی را شریکش سازد مشرک می باشد، و هر کس با ولایت او بمیرد به بهشت رود و دشمنان او به جهنم روند. پس ای محمد، «علی» را علم و راهنمایم قرارداده، و از آنان برایش بیعت بگیر، و عهد و پیمانی که با آنان بسته ام را تجدید کن، زیرا من جانت را ستانده و نزد خود فرا می خوانم.

و از این سو چون پیامبر صلی الله علیه و آله نسبت به قوم خود و مخصوصاً از منافقین امت خائف و ترسان بود که مبادا پراکنده شده و به جاهلیت و کفری دیگر بازگردند، و همچنین از عداوت و بغض درونی آنان نسبت به علی آگاه بود، به همین خاطر توسط جبرئیل از خداوند درخواست نمود که او را از شر و کید و مکر منافقین حفظ فرماید.

بنا بر این رسول خدا صلی الله علیه و آله انجام این امر را تا مسجد خیف در مراجعت از مکه به تأخیر انداخت. پس در آن منزل بار دیگر جبرئیل نازل شده و تکلیف سابق را راجع به معرفی علی ابن ابی طالب تجدید نمود ولی راجع به درخواست آخر پیامبر مبنی بر عصمت و نگهداری او از شر منافقین هیچ پیامی را نیاورد تا اینکه به «کراع الغمیم» در بین راه مکه و مدینه رسید.

در همین منزل جبرئیل برای بار سوم نازل شده و موضوع معرفی علی بن ابی طالب را متذکر شد، ولی بازهم خبری از جواب درخواست پیامبر در حفظ و عصمت پیامبر نبود.

پس پیامبر خطاب به جبرئیل گفت: از آن می ترسم که مردم مرا تکذیب نموده و سختم را در باره علی بن ابی طالب نپذیرند. باری از آنجا نیز حرکت کرده تا به غدیر خم؛ سه میلی «جحفه» رسیدند، جبرئیل در همان جا ساعت پنج پس از آفتاب نازل شده و پیامی حاوی منع و سرزنش و عصمت و حفظ از مردم بدین مضمون آورد که:

«ای محمد: خداوند متعال سلامت رسانده و می فرماید: ای پیامبر، آن چه را از سوی پروردگارت بر تو فرو آمده برسان و اگر این نکنی پیام او را نرسانده باشی و خدا تو را از {فتنه و گزند} مردم نگاه می دارد.» (مائده/۶۷)

باری پیش رفتگان در نزدیکی های جحفه بودند، و گروهی نیز هنوز به غدیر خم نرسیده بودند، پس با فرمان پیامبر همه آنان را برگرداندند و عقب ماندگان را جمع نمودند و همه را در منزل غدیر خم دور هم گرد آورده و مقدمات تعریف و توصیه و خطابه خود را فراهم آورد. و در آن مکان درختهایی بود که بدستور رسول خدا صلی الله علیه و آله زیر آنجا جاروب شده و از سنگ ها به شکل منبر استفاده گردید تا آن حضرت بر روی آن رفته و بر همه مشرف باشد.

و تمام مسلمین از پیش و روی راه در آن مکان اجتماع کرده و سر تا پا گوش شدند تا پیامبر به بالای منبر رفته و پیام آسمانی و الهی و سخن شیرین خود را آغاز نماید. پس رسول خدا صلی الله علیه و آله پس از حمد و ثنای الهی گفت:

۱- حمد و ثنای الهی

حمد و ستایش درخور پروردگاری است که شریک و نظیری نداشته و بی همتا و یگانه است، و حکومت او سراسر هستی را فرا گرفته، و علم و توجه به او همه موجودات را احاطه نموده است، و همه در پیشگاه قدرت و توانایی او خاضع و خاشعند. و پیوسته محبوب و محمود عالمیان است، خالق آسمانها و زمین و پروردگار روح و ملائکه و جهان هستی، همه و همه غرق احسان و نیکویی و رحمت و فضل بی منتهای اویند، کریم و حلیم و صبور و شکیبا و بردبار است، برای انتقام و عذاب گنهکاران شتاب نمی کند، سرائر و ضمائر بندگان بر او پوشیده نمی شود، افکار و نیات و خاطرهای مردم پیش او روشن و آشکاراست، هیچ عجز و کوتاهی و نیاز و ناتوانی بمقام عظمت او راه نیابد، ادراک و عقول مردم از درک و شناخت کنه ذات و صفات کبرایی او عاجز و قاصرند، برپا دارنده قسط و عدل است، هیچ معبودی جز او نیست، عزیز و حکیم است، بالاتر از آن است که چشم ها او را دریابند، و او چشم ها را دریابد، و اوست لطیف و آگاه به آشکار و نهان، هیچ کس با دیدن پی به وصف او نبرد، و نه سر و آشکار او را دریابد مگر خود خداوند راهنمایی فرماید.

و شهادت می دهم که قدس و پاکی خداوند متعال همه طبقات دهر را پر کرده است. و نور مقدس او ابدیت را پوشانیده است، خدایی که بی هیچ یار و یاور و شریک و مشاور و تقدیر و امر خود را ایجاد می فرماید، آن چه را که بخواهد لباس هستی می پوشاند و کوچکترین زحمت و تکلفی در کارهای او در مقام خلق و تکوین کائنات دیده نمی شود، کارهای او محکم و منظم و متقن است، کمترین خلل و سستی و جور و تجاوز و ظلمی در او نیست، خداوند کریم است و مهربان، و برگشت همه به سوی او خواهد بود.

و شهادت می دهم همه چیز در پیشگاه با عظمت و قدرت او خاضع و متواضعند، خورشید و ماه و ملک همه در تحت تسخیر و نفوذ او هستند، اوراق و صفحات تکوین بدست توانای او پیوسته در تغییر و تبدل بوده، و روز و شب و زندگی و مرگ و فقر و غنی و خوشی و گرفتاری و گرما و سرما و رنگهای گوناگون پدیدار می شود، درهم کوبنده هر مخالف و معاندی است، و نابودکننده هر شیطان نافرمان و سرکشی است، عاری از هر حریف و همتایی است، (ضد و ندی ندارد) یکتا و یگانه است، تنها بی نیازی است که نیازها بدو برند، زاده و زاده نشده است، و هیچ کس مر او را همتا و همانند نبوده و نباشد، معبودی واحد و پروردگاری بزرگوار است، هر چه می خواهد اجرا می کند و آنچه اراده می کند انجام می دهد، می داند پس به شمار آورد، و می میراند و زنده می کند، و فقر و غنی، شادی و حزن، و منع و عطاء، همه و همه بدست با عظمت اوست، پادشاهی از آن اوست، نیکی ها به دست او، و او بر هر چیزی توانا است. با افزودن و کاستن شب را در روز در می آورد و روز را در شب، هیچ معبودی جز او نیست، عزیز است و غفار، همو که دعای بندگان اجابت و با سخاوت عطا می کند، شمارنده نفسها، و پروردگار جن و انس، هیچ چیزی برای او مبهم و پیچیده نیست، و ناله دردمندان او را بستوه نیاورد، و پافشاری اصرارکنندگان طاقتش را طاق نکند، حافظ صالحان، و توفیق دهنده رستگاران، و آقا و سرور جهانیان است، همو که شایسته شکر و حمد همه خلایق است.

حمد و ستایش می کنم او را در همه حال، در حال وسعت و تنگدستی، و در حال عافیت و شدت، و ایمان دارم به او و به ملائکه و کتابها و پیغمبران او، مطیع اوامر او بوده و در هر چه موجب رضای اوست شتاب می کنم، و از سر میل در اطاعتش و خوف از مجازاتش تسلیم حکم و قضای او هستم، چرا که «اللّه» همان خدایی است که از نیرنگش ایمنی نیست و در نهایت عدالت و دادگری است.

۲- فرمان الهی برای مطلبی مهم

معترف به بندگی او می باشم، و به خدائیش شهادت می دهم، و هر آنچه وحی شده ام را می رسانم، تا مبادا مشمول قهر و عذاب و غضب او شوم که در این صورت هیچ کس نتواند جلوی اراده او را بگیرد. هیچ معبودی جز او نیست، همو مرا آگاه فرموده که در صورت عدم ابلاغ دستورات او مأموریتم ناتمام و ابتر بماند، و نیز خداوند متعال متعهد شده مرا در این تبلیغ محافظت فرماید، زیرا خداوند کفایت کننده ای کریم است.

از جانب خداوند به من وحی رسیده است که:

«بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ ای پیامبر، آنچه را از سوی پروردگارت به تو فرو آمده- در باره خلافت علی بن ابی طالب- برسان و اگر این نکنی پیام او را نرسانده باشی، و خدا تو را از {فتنه و گزند} مردم نگاه می دارد.» (مائده/۶۷)

ای گروه مردم! شاهد باشید که من در رساندن فرمان خداوند هیچ کوتاهی نکردم، بدانید که جبرئیل در این سفر سه مرتبه از جانب خداوند بر من نازل شده و پس از ابلاغ سلام الهی مرا مأمور کرده است که در مقابل همگان سفارش او را ابلاغ نموده و بگویم: علی بن ابی طالب برادر و وصی، و خلیفه و امام بعد از من است، و او در نزد من همان جایگاه هارون در نزد موسی را داراست، جز اینکه پس از من پیامبری نخواهد بود.

و او پس از خدا و رسول، ولی و سرپرست شماسست و خداوند متعال در این خصوص آیه ای بدین مضمون بر من نازل فرموده که: «همانا دوست و سرپرست شما خدا است و پیامبرش و کسانی که ایمان آورده اند، آنان که نماز را برپا می دارند و زکات می دهند در حالی که در رکوعند» (مائده: ۵۵) و آن همان علی بن ابی طالب است که نماز بیای داشته و زکات پرداخته در حالت رکوع، و اوست که پیوسته و در همه حال متوجه خداوند بوده و در تمام امور او را در نظر می گیرد.

و نیز بدانید که من در ابتدای امر از جبرئیل خواستم مرا از ابلاغ این مطلب به شما معذور بدارد زیرا به این نکته واقف بودم که تعداد اهل نفاق و دغل و دورویی بر پرهیزگاران اتم غالبند، و مسخره کنندگان اسلام را می شناختم، همان ها که در کتاب خدا این گونه وصف شده اند که: «چیزی با دهانهای شان می گویند که در دلهای شان نیست، و آن را {سخنی کوچک و آسان} می پنداشتند و حال آنکه در نزد خداوند، بزرگ و عظیم است» (نور/۱۵)، و شدت آزارم را بدان جا رساندند که مرا اذن (سراپا گوش) نامیدند، و دلیل این نامگذاری این بود که می پنداشتند من شنوای هر سخنی می باشم، تا اینکه خداوند این آیه را نازل فرمود که: «از آنان کسانی اند که پیامبر را می آزارند و می گویند: او {سراپا} گوش است- شنوای سخن هر کسی است- بگو: گوش نیکوست برای شما،- یعنی برای کسانی که می پنداشتند او اذن است- به خدا ایمان دارد و مؤمنان را باور دارد.» (توبه/۶۱)

و اگر بخواهم می توانم نام های یکایک آنان را بشمارم، و خصوصیات کامل و تفصیل امورشان را ذکر بکنم، ولی بخدا قسم که این کار نه شایسته حال من و نه مورد پسند خداست که جز آن چه وحی شده ام را نگویم، سپس این آیه را خواند: «ای پیامبر آن چه را از سوی پروردگارت به تو فرو آمده- در باره علی بن ابی طالب- برسان و اگر این نکنی پیام او را نرسانده باشی، و خدا تو را از {فتنه و گزند} مردم نگاه می دارد.» (مائده/۶۷)

۳- اعلان رسمی ولایت و امامت دوازده امام علیهم السلام

پس ای گروه مردم بدانید که: خداوند متعال علی بن ابی طالب را بر شما ولی و امام قرار داده، و اطاعت او را به نیکویی بر تمام گروه های مهاجر و انصار و تابعین آنان، و بر حاضر و غائب و عرب و عجم و کوچک و بزرگ و عبد و آزاد و بر هر خداپرست واجب فرموده است، او فرمانش قابل اجرا، و سخنش مقبول، و امرش نافذ است. مخالف او ملعون، و پیرو او مشمول رحمت خداوند است، و هر کس او را تصدیق کند و بدو گوش بسپارد و از او اطاعت کند مشمول غفران خداوند گردد.

ای گروه مردم! اینجا آخرین محلّ گردهمایی و گفتگوی من با شما است، پس امر پروردگارتان را نیک بشنوید و اطاعت کنید و امثال نمایید، زیرا خداوند مولی و معبود شما است، و پس از او فرستاده اش محمد، در برابرتان ایستاده و شما را خطاب می کند، و پس از من به امر پروردگار متعال، «علی» ولی خدا و سرپرست شماسست و پس از او تا پایان عمرتان اولاد و ذریّه او مولی و امامند. حلال همان است که خدا فرموده، و حرام همان که ممنوع داشته، حلال و حرام را به من آموخت، و من تمام علوم افاضه شده از خداوند- از قرآن و حلال و حرام- را به علی دادم.

ای گروه مردم! خداوند متعال تمام علوم را بمن عطاء فرمود، و من هم تمام آنها را به علی بن ابی طالب؛ پیشوای پرهیزگاران و امام مبین تعلیم نمودم.

ای گروه مردم! از علی غافل نشوید و او را ترک مکنید، و از ولایتش خودداری مکنید، او راهنمای به حق و راستی و عامل به آن است، باطل و پوچ را نابود و از آن منع می کند، و در راه خدا از ملامت دیگران متزلزل نمی شود، او اولین مؤمن بخدا و رسول و فدایی پیامبر است، او در حالی با رسول خدا به عبادت خداوند پرداخت که همه شما بت پرست بودید.

ای گروه مردم! علی را بزرگ و محترم شمارید که خداوند او را تفضیل و تکریم فرموده است و بدو روی آورید که خداوند او را به این مقام منصوب فرموده است.

ای گروه مردم! او از جانب خداوند امام و رهبر است، و منکر ولایت او از پذیرش و غفران الهی بدور، و بطور قطع و یقین مشمول عذاب الهی و آتش سوزان است.

از مخالفت با او برحذر باشید و گر نه به آتشی روید که سوخت و هیمه اش آدمیان و سنگ هاینده، و برای کافران مهیاً شده است. ای گروه مردم! همه انبیاء و مرسلین گذشته به نبوت من بشارت داده شده اند، و من خاتم انبیاء و مرسلین، و حجت خدا بر همه اهل آسمان و زمین هستم، پس هر کس در این مورد تردید کند همچون کفر دوران جاهلیت کافر است. و هر کس در باره قسمتی از گفتار من شک نماید به همه گفتارم تردید نموده است و مستحق آتش خواهد بود.

ای گروه مردم! این فضیلت و نعمتی است که خداوند متعال مرا اعطا فرموده، هیچ معبودی جز او نیست، او را پیوسته حمد و سپاس گفته و از انعام و احسان خداوند برای همیشه تشکر می کنم.

ای گروه مردم! علی را تفضیل دهید که او پس از من افضل همه مردم است، بوسیله ما است که مردم مشمول نعمت و رحمت خداوند قرار می گیرند، و جبرئیل مرا خبر داده است که خداوند متعال می فرماید: هر که با علی مخالفت و دشمنی کند ملعون و مغضوب بوده و از رحمت من دور می شود. و هر کسی باید بنگرد که برای فردای قیامت چه پیش فرستاده است، و بترسید از این که دوباره دچار لغزش شوید که خداوند بدان چه می کنید آگاه است.

ای گروه مردم! بدانید که علی بن ابی طالب جنب پروردگار است، و او مصداق این آیه است: «تا کسی نگوید: دروغا بر آن کوتاهی که در باره خدا کردم» (زمر/۵۶)

ای گروه مردم! در باره قرآن بیاندیشید، و از آیاتش سر درآورید، و همیشه به محکمت آن ناظر باشید، و نباید از آیات متشابه پیروی کنید، و قسم بخدا که کسی نمی تواند حقائق و دقائق قرآن را تفسیر و بیان کند مگر علی بن ابی طالب که برادر و وصی من است- و همزمان دست علی را گرفته و بالا برد؛ بحدی که زیر بازوی آن حضرت هویدا شد- و من به شما اعلام می کنم: کسی که من مولای اویم علی مولای او است، و موالات او از جانب خداوند با عزت و جلال بر من نازل شده است. ای گروه مردم! علی و اولاد پاکش ثقل اصغرند، و قرآن مجید ثقل اکبر است. و هر کدام از آن دو مؤید و موافق دیگری خواهد بود، و هرگز از همدیگر جدا نخواهند شد تا روزی که در جانب حوض بمن رسند، آنان امان و حکمای خداوند در روی زمینند. ای گروه مردم! آگاه باشید، همه و همه آگاه باشید که من تمام این مطالب را ادا نمودم و ابلاغ کردم و به گوش همه رساندم، همه و همه کلام خدا بود و من از جانب او گفتم، که بجز برادرم علی بن ابی طالب کسی سزاوار منصب امارت و امامت نیست، و پس از من کسی را نشاید که عنوان امیر المؤمنین را بجز او به دیگری نسبت دهد.

۴- معرفی و بلند کردن امیرالمومنین علیه السلام به دست پیامبر صلی الله علیه و آله

سپس دست مبارک خود را دراز کرده و از بازوی علی بن ابی طالب علیه السلام گرفته و بلند نمود تا آن جا که پاهای آن حضرت در موازات زانوی پیامبر قرار گرفت و فرمود:

ای گروه مردم! این علی است، که برادر و وصی، و حافظ علم من، و جانشینم بر امت است، او مفسر قرآن و داعی بسوی خدا و عامل به مرضات الهی است، با دشمنان خدا در جنگ؛ و طرفدار طاعت؛ و نهی کننده از نافرمانی او است، او جانشین پیامبر و امیر مؤمنان و پیشوای هدایتگر است، و با عهدشکنان و ستمکاران و خارج شدگان از حق به اذن و فرمان خدا می جنگد، حال گفتاری بزبان آورم که به امر پروردگارم هر سخنی را تغییر دهد:

پروردگارا، دوستدارانش را دوست بدار، و با دشمنانش عداوت کن، و منکر او را لعن، و به هر که حقش را پایمال کند غضب فرما. پروردگارا، بنا بر همان چه خود فرمودی اعلام داشتم که امامت پس از من برای علی ابن ابی طالب است و او را به این مقام

منصوب نمودم، تا شریعت خود را برای بندگانت به کمال رسانی، و نعمت خود را بر ایشان تمام کنی، و اسلام را دین آنان بپسندی، که خود فرموده ای: «و هر کس که جز اسلام دینی بجوید هرگز از او پذیرفته نشود و او در آخرت از زیانکاران است» (آل عمران/ ۸۵) پروردگارا! تو را به گواهی می گیرم و تو را در این شهادت بس که تبلیغ خود را انجام دادم.

۵- تأکید در توجه امت به مسأله ی امامت

ای گروه مردم! بی شک خداوند دین خود را با امامت او به کمال رساند، پس کسی که از او پیروی نکند و به خلفای پس از او- که همه تا روز قیامت از فرزندان صلیبی منند- اقتدا ننماید، کارها و اعمالشان تباه و نابود شود و برای همیشه در آتش بماند، و عذابشان سبک نشود و مهلت نیابند.

ای گروه مردم! این علی است، که در همه موارد از شما بالاتر است؛ در یاری رساندن و شایستگی و نزدیکی و قرب و عزت، در نزد من برتری دارد، و خدا و رسولش از او راضی و خشنودند، و تمام آیات رضایت و خشنودی درباره او نازل شده است، و خداوند تمام خطاب های یا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا در قرآن را به او آغاز نموده است، و تمام آیات مدح در کتاب خدا قرآن کریم در باره اوست، و سوره هل أتى برای اوست؛ که اعتراف به بهشت نموده، و جز در شأن او نازل نشده، و هیچ کس جز او بواسطه این سوره مدح نشده است. ای مردم! او کمک کار دین خدا، و مدافع رسول است، او تقی، نقی، هادی و مهدی است، پیامبر شما بهترین پیامبران، و وصی او بهترین اوصیا و فرزندانش بهترین جانشینانند.

ای گروه مردم! نسل هر پیامبری از پشت اوست، و نسل من از پشت علی است.

ای گروه مردم! براستی، ابلیس به واسطه حسادت بود که آدم را از بهشت بیرون فرستاد، پس حسد نورزید که اعمالتان تباه شده و در نهایت منحرف گردید، زیرا تنها یک خطا موجب شد آدم صفوه الله از بهشت به زمین هبوط نماید، در حالی که او برگزیده خداوند بود، تا چه رسد به شما که گروهی عباد الله و گروهی اعداء الله هستید، بدانید که مبغض علی تیره بخت و دوستدار او تقی و خدا ترس است. و جز اهل ایمان به او اعتماد ندارد، و قسم بخدا که سوره و العصر در باره علی نازل شده، که:

«به نام خدای بخشاینده مهربان. سوگند به روزگار {پیروزی حق بر باطل}، که هر آینه آدمی در زیانکاری است. مگر کسانی که ایمان آوردند و کارهای نیک و شایسته کردند و یک دیگر را به راستی و درستی اندرز دادند و یک دیگر را به شکیبایی سفارش کردند.»

ای گروه مردم! نقل قول خداوند نمودم و پیام خود را به شما رساندم، و بر پیامبر جز رساندن آشکار پیام نیست.

ای گروه مردم! ترس از خدای را چنان که شایسته ترس از اوست پیشه کنید، و ممیرید مگر در حالی که مسلمان باشید.

۶- اشاره به کارشکنی های منافقین

ای گروه مردم! به خدا و پیامبرش و نوری که با او نازل شده- قرآن- ایمان بیاورید پیش از آنکه چهره هایی را محو و ناپدید کنیم آن گونه که آنها را به پشت سرشان بگردانیم.

ای گروه مردم! نور خداوند در من راه یافته، سپس در علی، و پس از آن در نسل او تا قائم مهدی جاری خواهد بود. مهدی، همو که حق خدا و هر حقی را می گیرد از ماست، زیرا خداوند ما را حجتی بر اهل تقصیر و عناد و خلاف و خیانت و گناه و ستم و خلاصه بر همه جهانیان قرار داده است.

ای گروه مردم! شما را انذار می کنم که من فقط پیامبر و رسول خدا هستم، که پیش از او پیامبران و فرستادگان گذشتند، پس اگر من بمیرم یا کشته شوم آیا شما به دوران جاهلیت - پیش از اسلام - برخواهید گشت؟ و هر کس که عقبگرد کند هرگز به خدا گزند و زبانی نرساند، و زودا که خدا سپاسگزاران را پاداش دهد. بدانید در این سوره «علی» موصوف بصبر و شکر شده، و پس از او فرزنداناش که از صلب منند.

ای گروه مردم! بواسطه اسلامتان بر خداوند منت مگذارید که مشمول خشم خدا گردید و شما را عذاب کند زیرا او در کمینگاه است. ای گروه مردم! پس از درگذشت من پیشوایانی ظهور کنند که شما را به سوی آتش جهنم می خوانند، و در روز رستاخیز هیچ یاری و کمکی نشوند.

ای گروه مردم! براستی که خداوند و من از آنان بیزارم.

ای گروه مردم! آنان و تمام انصار و اعوان و پیروانشان در فرودترین طبقه دوزخند و براستی بد است جایگاه گردنکشان! بدانید که آنان اصحاب صحیفه اند، پس باید هر یک از شما در صحیفه اش نظر کند.

راوی حدیث، امام باقر علیه السلام فرمود: جز گروهی اندک بقیه مردم؛ ماجرای صحیفه را فراموش کردند.

ای گروه مردم! من امامت را در ذریه خودم تا روز قیامت باقی گذاشتم، و من هر آن چه گفتنی بود گفتم و مأموریتم را کاملاً به انجام رساندم، تا آن جا که برای هیچ کس؛ چه حاضر و چه غایب، چه آنان که متولد شده‌اند و چه آیندگان جای عذر و بهانه ای باقی نماند، پس سفارشات مرا به دیگران ابلاغ کنید، حاضر به غایب، و پدر به فرزند خود تا روز قیامت برسانند. به زودی امامت را ظالمانه غصب کرده و بصورت سلطنت در خواهند آورد، ألا لعنت خدا بر آن دو گروهی که این مقام را بزور ستانده و غصب نمودند، ای پریان و آدمیان، زودا که به حساب شما پردازیم و بر شما پاره ای از آتش و دودی - یا مسی گداخته - فرستاده شود که نتوانید از یک دیگر دفاع کنید!

ای گروه مردم! براستی خداوند پیوسته شما را غربال می کند تا پاکدلان و خوبان را از بدکرداران جدا نماید، و خداوند شما را از غیب با خبر نمی سازد.

ای گروه مردم! هیچ قریه و شهری را خداوند جز به جهت تکذیبشان نابود نکرد، و همچنین شهرهائی را که ظلم و ستم در آن رسوخ نماید، ویران و خراب می کند، و این فرد «علی» است که امام و سرپرست شماست، او از وعده های الهی است، و البته خداوند متعال به عهد و وعده های خود عمل خواهد کرد.

ای گروه مردم! بسیاری از گذشتگان شما گمراه شدند، و بهمین خاطر بدست خداوند هلاک شدند، پس پسینیان نیز مشمول آن هلاک گردند، خداوند متعال فرموده:

«آیا پیشینیان را هلاک نکرد. سپس پسینیان - مانند کفار مکه - را از پی آنها درآریم. با بزهکاران چنین می کنیم. در آن روز وای بر دروغ انگاران» (مرسلات / ۱۶-۱۹)

ای گروه مردم! خداوند مرا امر و نهی فرموده، و من نیز علی را، پس او امر و نهی را از پروردگارش دریافته، بنا بر این به سخنانش گوش دهید تا سالم بمانید، و او را اطاعت کنید تا هدایت شوید، و از نواهیش دست بردارید تا براه راست افتید، و مطابق میل او حرکت کنید تا مبادا راه های مختلف شما را از راه او بازداشته و متفرق و پراکنده شوید.

۷- پیروان اهل بیت علیهم السلام و دشمنان ایشان

ای گروه مردم! من همان صراط مستقیم و راه راستی هستم که خداوند به شما امر فرموده از آن پیروی کنید. و بعد از من علی بن ابی طالب، سپس فرزندان من از صلب او صراط مستقیم اند. همان پیشوایانی که مردم را به راه حق هدایت می نمایند، و بدان

وسیله دادگری می کنند.

سپس آیات مبارکه سوره حمد را تلاوت نمود:

«سپاس و ستایش خدای راست. پروردگار جهانیان. آن بخشاینده مهربان. خداوند و فرمانروای روز پاداش. تو را می پرستیم و بس، و از تو یاری می خواهیم و بس. ما را به راه راست راه بنمای. راه کسانی که به آنان نعمت دادی - نیکویی کردی - نه راه خشم گرفتگان بر آنها و نه راه گمراهان».

و اشاره فرمود به این که این آیات شریفه در حق من و در باره آنان نازل شده است، آنان دوستان خدایند، نه بی‌یمی بر آن هاست و نه اندوهگین می شوند، بدانید که برستی گروه خدا پیروزند، بدانید که دشمنان «علی» همان اهل شقاق و نفاقند، آنان دشمن و مخالف و از حد گذشتگانند، آنان برادران شیطانند، همان هایی که برخی شان به برخی دیگر با گفتار آراسته و فریبنده پیام نهانی می فرستند تا فریب دهند.

بدانید که دوستان آنان در قرآن مذکورند، آنجا که فرماید:

«مردمی را نیابی که به خدای و روز واپسین ایمان آورند در حالی که با کسانی که با خدای و پیامبرش دشمنی و مخالفت کرده اند دوستی بدارند، اگر پدران یا پسران یا برادران یا خویشانشان باشند، اینانند که {خداوند} ایمان را در دل هاشان نوشته - پایدار ساخته - است و ایشان را به روحی از نزد خویش نیرومند گردانیده و به بهشت هایی در آورد که از زیر آن ها جوی ها روان است، در آن جا جاویدانند، خدا از آن ها خوشنود است و ایشان از خدا خوشنودند، ایشانند گروه خدا؛ آگاه باشید که گروه خدا رستگارانند.» (مجادله/۲۲)

بدانید، دوستان آنان در این آیه نیز مذکورند که فرموده: «کسانی که ایمان آوردند و ایمانشان را به ستمی نیامیختند، ایشانند که ایمنی دارند و آنان راه یافتگانند» (انعام/۸۲)

بدانید، دوستان آنان به سلامت در بهشت در آیند، و ملائکه با سلام به پیشبازشان آیند و گویند: خوش باشید پس به بهشت در آید {و در آن} جاودانه باشید. بدانید، دوستان آنان همان گروهی هستند که خداوند در باره هاشان فرموده: «به بهشت در آید و در آن بی حساب روزی داده شوند.» (غافر/۴۰)

بدانید، دشمنان آنان به آتش افروخته دوزخ در آیند.

بدانید، دشمنان آنان در حالی که جهنم می جوشد، آوازی دلخراش مانند صدای خران از آن بشنوند.

بدانید، دشمنان آنان در این آیه مذکورند: «هر گاه که گروهی {بر جهنم} در آید گروهی همکیش خود را نفرین کند، تا چون همگی در آن به هم رسند گروه پسین (پیروان) در باره گروه پیشین (رهبران) خود گویند: خداوند! اینان ما را گمراه کردند، پس آن ها را دو چندان عذاب آتش بده، خدای فرماید: هر کدام را {عذاب} دو چندان است و لیکن نمی دانید.» (اعراف/۳۸)

بدانید، دشمنان آنان در این آیه مذکورند که: «هر گاه گروهی در دوزخ افکنده شوند، نگهبانانش {به نکوهش و سرزنش} از آن ها پرسند: مگر شما را بیم کننده ای نیامد؟

گویند چرا، همانا ما را بیم کننده آمد، ولی تکذیب کردیم و گفتیم: خدا هیچ چیز فرو نفرستاده است، شما جز در گمراهی بزرگ نیستید.» (ملک/۸ و ۹)

بدانید، دوستانشان آنانند که از پروردگارشان در نهان می ترسند، آمرزش و مزد بزرگ دارند.

ای گروه مردم! چقدر فاصله زیادی است در میان جهنم و بهشت، دشمنان ما مشمول ذم و لعن خدایند و دوستانمان مورد مدح و دوستی پروردگارند.

ای گروه مردم! بدانید که من انذارکننده و علی هدایت کننده است.

ای گروه مردم! من نبی و علی وصی است.

۸- حضرت مهدی عجل الله فرجه

بدانید که خاتم امامان: قائم مهدی، از ما است.
بدانید که او مسلط و قاهر در دین است.
بدانید، او از ستمکاران انتقام خواهد گرفت.
بدانید، او فاتح قلعه ها و شهرها است.
بدانید او مشرکان و دشمنان دین را نابود می کند.
بدانید، او خون بهای اولیای خدا را می گیرد.
بدانید، او یاری رسان دین خدا است.
بدانید، او از دریای وسیع حقیقت و معرفت می نوشد.
بدانید، که او هر کس را به فراخور حال و استعداد و کردارش مقام و رتبه می دهد.
بدانید، او برگزیده و منتخب خداوند است.
بدانید، او وارث علوم {انبیاء} و محیط بر {حقائق} آن است.
بدانید، او مخبر پروردگار و معرف ایمان به او است.
بدانید، او صاحب عقل سلیم و ثبات در رأی و عمل است.
بدانید، امور دین الهی به او واگذار می شود.
بدانید، که پیامبران گذشته به وجود او بشارت داده اند.
بدانید، او حجّت باقی خدا است و پس از او حجّتی نیست، و حقّ تنها با اوست، و نور تنها نزد او می باشد.
بدانید، او همیشه پیروز است و شکست در او راهی ندارد.
بدانید، او ولیّ خدا در زمین، و حاکم او در میان بندگان، و امین به اسرار و ظواهر خدا است.

۹- مطرح کردن بیعت

ای گروه مردم! من مطالبی را بیان نموده و به شما فهماندم، و پس از من وظیفه علی بن ابی طالب است.
بدانید، پس از پایان خطبه ام شما را دعوت می کنم با من بیعت نموده و با من دست دهید، سپس همه با علی دست داده و بیعت نمایند، «پس هر که پیمان بشکند، بی شک به زیان خود قدم برداشته، و هر که بدان چه بر آن با خدای پیمان بسته است وفا کند پس او را مزدی بزرگ خواهد بود.» (فتح/۱۰)

۱۰- حلال و حرام، واجبات و محرمات

ای گروه مردم! «صفا و مروه از نشانه های خداست، پس هر که قصد حجّ کند یا عمره گزارد، بر او ناروا و گناه نیست که به گرد آن دو بگردد، و هر که کار نیکی به خواست خویش کند خداوند سپاسدار و داناست.» (بقره/۱۵۸)
ای گروه مردم! آهنگ خانه کنید {حجّ را بجا آورید}، هر کس که حجّ رود ثروتمند شده، و هر فرد با استطاعتی که از آن تخلف کند

فقیر و بی چیز شود.

ای گروه مردم! هیچ کس در موقف حج نمی ایستد جز آن که خداوند گناهان گذشته اش را تا آن موقع می آمرزد، و در پایان مراسم حج حساب اعمالش مجدداً آغاز می گردد.

ای گروه مردم! حاجیان در این راه مساعدت شوند، و هزینه هایشان پس داده شود، و خداوند پاداش نیکوکاران را تباہ و ضایع نمی کند.

ای گروه مردم! حج خانه خدا را با رعایت آداب دینی و شرایط لازمه بجای آورید، و بازگشت از آن جا حتماً با توبه خالص و ترک شهوات و تمایلات مادی همراه باشد.

ای گروه مردم! همان گونه که خداوند فرموده نماز را بپای دارید و زکات را بپردازید، پس چنان چه زمان بر شما دراز گشت و کوتاهی نموده یا فراموش کردید، علی بن ابی طالب پاسخگوی شما می باشد، او سرپرست شما، و پس از من شارحی منصوب از طرف خدا برای شما است، و منتخب الهی از من است و من از اویم.

بدانید! که حلال و حرام بیش از آن است که به شمار آید و آن ها را بشناسم، پس در یک مکان امر به حلال نمودم و از حرام بازداشتم، و بهمین ترتیب از طرف خداوند مأمور شده ام که از شما برای علی بن ابی طالب و امامان پس از او که از من و اویند از شما بیعت بگیرم، آنان تا روز قیامت امام و پیشوایند، و مهدی امت من که به حق داوری می کند از آنان است. ای گروه مردم! هر آن چه از حلال و حرام که تا امروز برایتان گفتم برای همیشه برقرار و ثابت خواهد بود. و من از آن ها برنگشته و هیچ تغییر و تبدیلی در آن ها نندادم. پس باید آن ها را خوب حفظ کرده و در رعایت آن کوشیده و به یک دیگر سفارش کنید. بدانید که من بار دیگر شما را به اقامه نماز و پرداخت زکات و امر به معروف و نهی از منکر سفارش می کنم. بدانید که در رأس امر به معروف و نهی از منکر این است که سخنانم را در نظر بگیرید و سفارشاتم را رعایت کنید، و به دیگران رسانده و از مخالفت با آن ها پرهیز کنید، زیرا آن فرمان خداوند و دستور من است، و هیچ امر بمعروف و نهی از منکری جز با حضور امام معصوم تحقق نمی یابد.

ای گروه مردم! قرآن معین نموده که امامان پس از علی، فرزندان اویند، و من نیز به شما خبر دادم که آنان از صلب من و اویند، آنجا که فرموده: «و آن را در فرزندان خود سخنی پاینده کرد.» (زخرف/۲۸) و من نیز گفتم: و تا زمانی که دست بدامن قرآن و عترت باشید گمراه نخواهید شد.

ای گروه مردم! رعایت تقوا! رعایت تقوا! از روز جزا پروا کنید، همان گونه که خداوند فرموده: «که زلزله رستاخیز چیزی است بزرگ.» (حج/۱).

پیوسته و همیشه مرگ و حساب و میزان و حسابکشی در برابر پروردگار جهانیان و ثواب و عقاب را به یاد آورید و متذکر باشید، که هر کس کار نیک آورد پاداش برد، و هر کس که بدی آورد هیچ نصیبی از بهشت نخواهد داشت.

۱۱- بیعت گرفتن رسمی

ای گروه مردم! تعداد شما بیش از آن است که با من دست بیعت دهید، و خداوند مرا مأمور فرموده تا از شما در باره امارت علی بن ابی طالب و امامان پس از او که همه از صلب من و اویند اقرار زبانی بگیرم، پس همگی بگویید:

«گفته هایت را شنیدیم و به و به نصب علی بن ابی طالب و فرزندان صلبی او به امارت مسلمین راضی و فرمانبرداریم، و با تو در این باره با قلب ها و جان و زبان و دستهایمان بیعت می کنیم، بر این عهد زندگی می کنیم و می میریم و برانگیخته خواهیم شد، و نه تغییر و تبدیلی در آن دهیم، و نه هیچ شک و تردیدی در آن کنیم. و از عهد خود باز نگردیم و زیر پیمان خود نزنیم، و تا آخر

مطیع خداوند بوده و گوش بفرمان شما و علی امیر المؤمنین و امامان از نسل تو و صلب علی پس از حسن و حسین خواهیم بود.» همان دو شخصیتی که شما را از جایگاهشان در نزد خود با خبر نمودم و از منزلتی که در نزد خدا دارند آگاه ساختم، پس همه آن ها را به شما رساندم، و آن دو، آقا و سرور جوانان بهشتی می باشند، و آن دو، پس از پدرشان علی؛ امام و پیشوایند، و پیش از علی من پدر آن دو می باشم.

و نیز بگویید: «در تمام مواردی که گفتمی خدا را اطاعت می کنیم و گوش بفرمان تو و علی و حسن و حسین و ائمه هستیم، این عهد و پیمانی است که برای امارت مسلمین با قلب و جان و زبانمان نمودیم و با دست بیعت کردیم، هر که آن دو را درک نمود با دست و زبان به مقامشان اعتراف نماید. و جویای هیچ تبدیلی در آن نبوده و از جانب خود تا قیامت بجای آن قائل به نیرو و قدرتی نخواهیم بود، خدا را به گواهی گیریم و خدا گواهی بسنده و کافی است، و تو در این موضوع بر ما گواه باشی، و نیز همه مطیعان، و فرشتگان و لشکرها و بندگان خداوند، همه و همه گواهی می دهند، و گواهی خداوند از همه بزرگتر است.»

ای گروه مردم! چه می گوید؟ خداوند از هر صدایی با خبر است و از ضمائر قلوب آگاهی دارد، «پس هر که راه یافت به سود خود اوست، و هر که گمراه شد جز این نیست که به زیان خود گمراه می شود.» (زمر/۴۱)، و هر که بیعت کند مانند آن است که با خدا بیعت می کند، «دست خدا بالای دستهایشان است.» (فتح/۱۰)

ای گروه مردم! از خدا پروا کنید، و با علی امیر المؤمنین و حسن و حسین و امامان - که مانند سخن پاکیزه و پایدارند - بیعت کنید، و بدانید خداوند پیمان شکنان را هلاک می کند، وفاداران را مشمول رحمتش قرار می دهد، «پس هر که پیمان بشکند جز این نیست که به زیان خویش می شکند.» (فتح/۱۰)

ای گروه مردم! همان که به شما گفتم بگویید، و به علی با کلمه امیر المؤمنین سلام کنید و بگویید: «شنیدیم و فرمان بردیم، پروردگارا، آموزش تو را خواهیم و بازگشت {ما} به سوی توست.» (بقره/۲۸۵)، و بگویید: «سپاس و ستایش خدای راست که ما را بدین جایگاه راه نمود و اگر خدا ما را راه ننموده بود راه نمی یافتیم.» (اعراف/۴۳)

ای گروه مردم! براستی فضائل علی بن ابی طالب نزد خداوند است و آن ها را در قرآن نازل فرموده، و از شمار خارج است، پس هر که شما را بدانها خبر داد و آگاه ساخت او را باور نموده و تصدیق کنید.

ای گروه مردم! هر کس خداوند را اطاعت نموده و پیامبر و علی و امامانی که ذکر نمودم فرمان برد براستی به کامیابی و پیروزی بزرگی دست یافته است.

ای گروه مردم! پیشی گیرندگان، پیشی گیرندگان به بیعت و دوستی او و سلام کنندگان به او به کلمه امیر المؤمنین، آنان رستگارانند، در بهشت های پر نعمت.

ای گروه مردم! آن چه موجب خشنودی خدا از شماست بگویید، که اگر شما و همه عالم کافر شوید، «خدا را هیچ گزند و زبانی نرساند.» (آل عمران/۱۴۴)

پروردگارا گناهان مؤمنان را ببخشای، و بر کافران غضب نما، و حمد و ستایش خدای راست، پروردگار جهانیان.

پس ندا از جماعت برخاست: با قلب و زبان و دستهای مان فرمان خدا و رسول او را شنیدیم و اطاعت نمودیم، سپس به سوی پیامبر صلی الله علیه و آله و علی هجوم آورده و با زدن دست به دست پیامبر با او بیعت نمودند، و نخست اولی و دومی و سومی و چهارمی و پنجمی و پس از آنان دیگران بنا بر مقام و منزلتشان بیعت کردند. و این کار تا اقامه نماز مغرب و عشاء که با هم خوانده شد تا سه بار ادامه یافت، و رسول خدا صلی الله علیه و آله در اثنای هر بیعت می فرمود:

«حمد و ستایش مخصوص خداوندی است که ما را بر همه مردم برتری داد»

و از همین جا زدن دست هنگام بیعت سنت و رسم شد، و چه بسا این سنت را کسی انجام داد که در آن بیعت هیچ حقی نداشت!! و از امام صادق علیه السلام روایت است که فرموده: وقتی پیامبر این خطبه را بپایان رسانید در میان جماعت مردی خوش سیما و

معطر ظاهر شده و گفت:

بخدا سوگند هیچ وقت محمد را مانند امروز ندیده بودم که تا این اندازه در معرفی پسر عمویش علی بن ابی طالب و برای تثبیت وصایت و ولایت او اصرار و تأکید و پافشاری نماید، و براستی جز کافر به خدای عظیم و پیامبرش هیچ کس قادر به مخالفت با آن قرارداد نیست، غم و اندوه طولانی و دراز بر کسی که پیمانش بگسلد!

امام صادق علیه السلام فرمود:

عمر بن الخطاب از هیئت و طرز سخن آن شخص شگفتزده گشته و رو به رسول خدا صلی الله علیه و آله کرده عرض نمود:

آیا شنیدی آن مرد چه گفت؟ چنین و چنان گفت.

پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: ای عمر آیا فهمیدی او که بود؟

گفت: خیر.

فرمود: او روح الامین جبرئیل بود، پس مبادا ولایت علی را نقض کنی که در این صورت خداوند و پیامبر و فرشتگان خدا و همه مؤمنان از تو بیزار شوند!